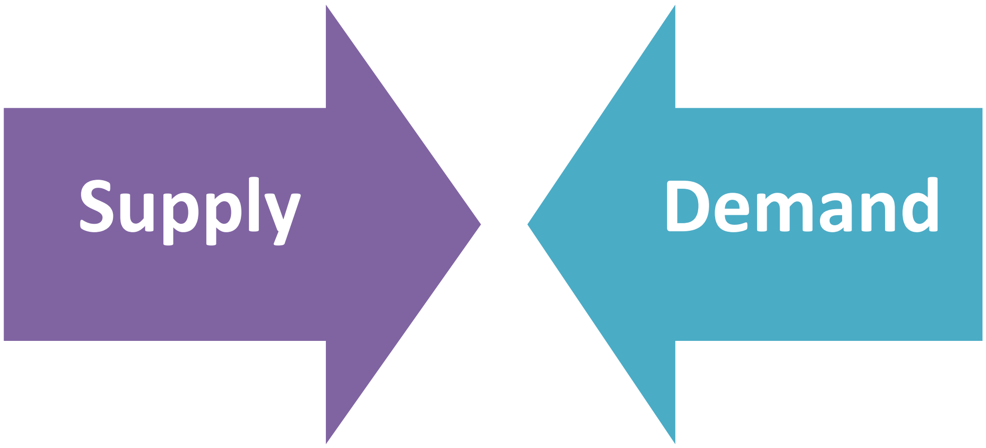
مجموعه مقالات آموزشی عرضه و تقاضا

بر اساس آموزه های سم سیدن

قابل استفاده برای تریدرهای ایرانی در تمام بازارهای مالی



عرضه و تقاضا. آیا چیزی دیگری اهمیت دارد؟

Supply and Demand, Nothing Else Matters?

نویسنده: Sam Seiden

مترجم: محمد علی پور

کانال تلگرام:
@Supply_And_Demand

ایمیل:
Aydinmod@gmail.com

چالشی که همواره از همان سال های اول، با روش های آموزش معمول و فراگیر داشته ام، در پایه های آن نهفته است. تمرکز این روش ها همیشه بر روی چارت، حجم معاملات[1] و یا اندیکاتورها است. کتاب هایی مختص نمودارهای شمعی، یا حجم معاملات نوشته شده است، چراکه باور عمومی بر این است که این دو مورد، مهمترین عوامل موثر بر تصمیم گیری یک معامله گر هستند. اگر لحظه ای به عقب برگردیم و از خود این سوال ساده را بپرسیم که قیمت چگونه و به چه دلیل در بازار حرکت می کند و می چرخد، فکر می کنم به این اشتراک نظر برسیم که آن باورهای معمول، عنصری اساسی را کم دارند.

هدف این است که راهبردی قاعده مند داشته باشیم که به ما کمک کند با دقت بسیار بالا تشخیص دهیم که قیمت از کجا خواهد چرخید و به کجا خواهد رفت. خوب، قدرت تعیین کننده ی چرخش ها و حرکات قیمت چیست؟ برای پاسخ دادن به این سوال، باید بر چیزی تمرکز کنیم که تا به حال در شیوه های آموزش معمول به آن اشاره ای نشده است: سفارشات خرید و فروش واقعی.

قیمت در سطوحی که عرضه و تقاضا خارج از تعادل هستند تغییر مسیر می دهد (چرخش می کند). سپس آن قدر حرکت می کند تا دوباره به سطحی برسد که در آن عرضه و تقاضا خارج از تعادل باشند. خوب، این عدم تعادل میان عرضه و تقاضا که موجب چرخش قیمت می شود بر روی نمودار به چه شکل است؟ ممکن است بسیاری برای پاسخ دادن به این پرسش به سراغ الگوها و شکل های شمعی، و حجم معاملاتی و یکی دو اندیکاتور دیگر بروند. بسیاری دیگر توصیه می کنند که به سطوحی که قیمت در گذشته از آنها چرخش کرده است و نیز حجم معاملاتی بالاتر از معمول تمرکز کنید.

از نظر من، اینجا دقیقا جایی است که حواس شما پرت می شود. کمی راجع به آن فکر کنید: آیا در سطوحی که عرضه و تقاضا بیش از همه خارج از تعادل است، و بالاترین احتمال چرخش قیمت را بوجود می آورد، فعالیت معاملاتی زیادی وجود دارد یا فعالیت بسیار کمی؟ مانند هر چیز دیگری در زندگی، هرچه یک معادله یا دو نیروی متضاد خارج از تعادل باشند، نتیجه بسیار سریع تر و قابل پیش بینی تر خواهد بود. در بازارهای مالی، هرچه عرضه و تقاضا در سطحی تعادل کمتری داشته باشند، شاهد فعالیت معاملاتی کمتری خواهیم

[1] Volume

بود. تصویر چنین سطحی بر روی نمودار، به هیچ وجه شبیه فعالیت معاملاتی سنگین و یا حجم معاملاتی بالاتر از معمول نخواهد بود، بلکه کاملا مخالف آن است.

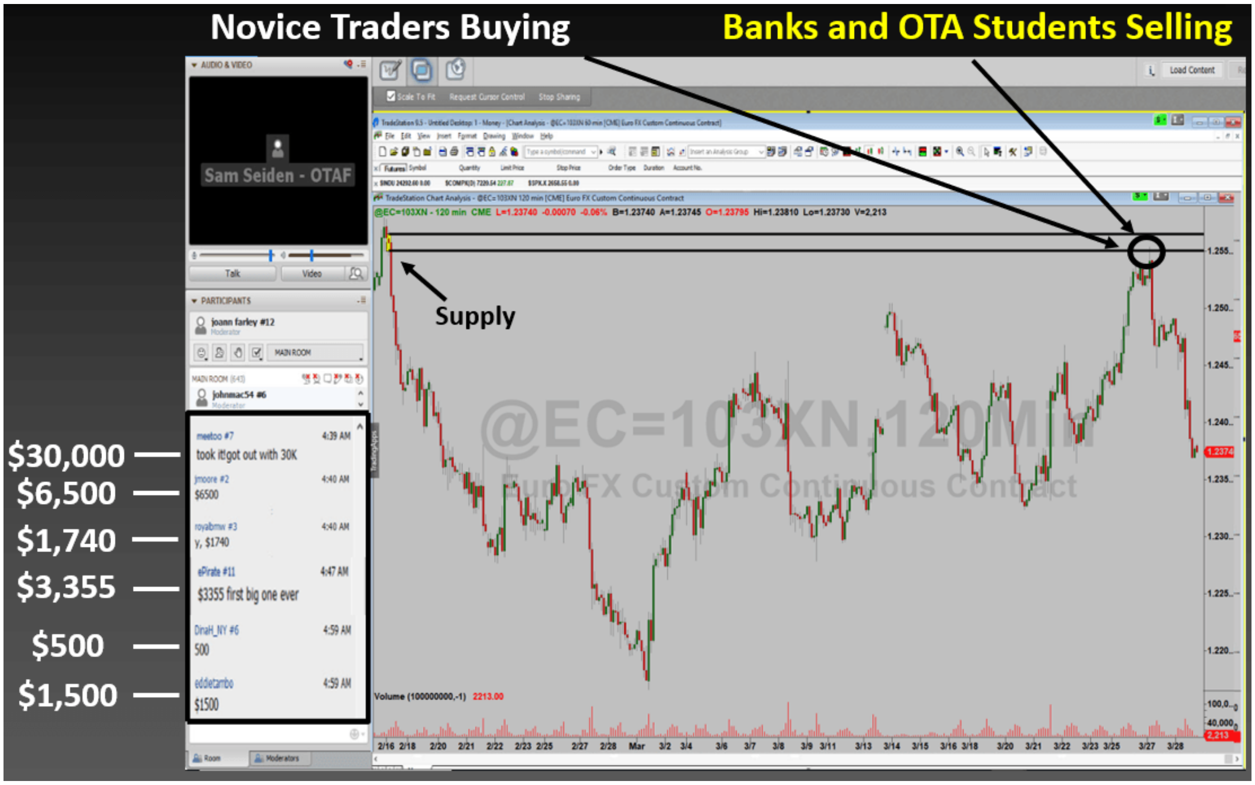
برای اینکه درک بهتری پیدا کنیم، اجازه دهید به ایده ای معاملاتی که در جلسه ی معاملاتی زنده ای برای دانشجویانم مطرح کردم بپردازیم. به محدوده عرضه ی رالی بیس دراپی که در گوشه ی بالا و سمت چپ نمودار شکل گرفته، توجه کنید. دایره ی سمت راست لحظه ای است که باید به معامله گرانی که در حال خرید در قیمت خرده فروشی[2] (عرضه) هستند بفروشیم. درست لحظه ای پیش از اینکه قیمت نزول کند.

حالا دوباره به محدوده ای که با دایره مشخص کرده ام توجه کنید. تحلیل تکنیکال معمول، به ما توصیه می کند که در این نقطه نفروشیم، چراکه قیمت در روند[3] قرار دارد و اخبار نیز بر وفق مراد است. اما من فکر می کنم که این حرف احمقانه است. تنها چیزی که برای من اهمیت دارد این است که در محدوده ی عرضه قرار داریم و محدوده ی تقاضا بسیار پایین تر است. همانطور که پیش بینی می شد، قیمت می چرخد و به سمت پایین حرکت می کند. اگر از منطق صحیح، یعنی فهم اینکه سفارشات فروش کجا وجود دارند و کجا وجود ندارند استفاده کنیم، می توانیم این حرکت را پیش بینی کنیم. همانطور که در نمودار می بینید، بسیار از دانشجویان در این نقطه وارد شدند و در نقطه سود نیز خارج شدند.

---

[2] Retail Price

[3] Trend



ایده پیچیده دیگری که باید از پروسه تصمیم گیری خود حذف کنید، حجم معاملاتی است. چرخش های اصلی قیمت در بازار، معمولا در سطوحی که فعالیت های معاملاتی بالایی وجود دارد رخ نمی دهد. درست برعکس. وقتی بر روی نمودار به چنین لحظه ای بر می خورید، سعی کنید کندل های متعدد و جالب، چشمتان را نگیرند. تمرکز شما باید بر روی پرایس اکشنی باشد که بیشتر فضای اطرافش خالی است. و توجه داشته باشید که این فضای خالی چرا در آنجا وجود دارد (عدم تعادل بزرگ در عرضه/ تقاضا).

چرا این مسئله برای مدت های مدید مرا درگیر خود کرده بود؟ به این دلیل که وقتی به طور منطقی در پی یافتن راه حلی برای چالشی هستید باید از تیغه ی اوکام[۴] استفاده کنید. تجربیات من در سالن های معاملاتی در سالهای پیش، کار کردن با جریان سفارشات[۵] بانک ها، سازمان ها، مدیران مالی و غیره، مفهومی که امروز از آن سخن می گویم را برایم بسیار شفاف کرد. حرکت قیمت در تمام بازارهای مالی و در تمام دوره های زمانی، تنها معلول معادله ی عرضه و تقاضا است. عرضه و تقاضا به تنهایی تعیین کننده قیمت هستند و موقعیت های معاملاتی را ایجاد می کنند. تنها کاری که انجام دادم این بود که چشمانم را تمرین دادم تا اینها را بر روی نمودار قیمت ببیند و اجازه داد امروز این اطلاعات را با شما به اشتراک بگذارم.

درست تصمیم بگیرید، درست زندگی کنید.

امیدوارم این مقاله براتون مفید بوده باشه، روز خوبی داشته باشید.

[4] Occam's Razor: قاعده ی تیغه ی اوکام که بیان می کند به هنگام حل مسائل باید تا حد ممکن از پیچیده سازی مسائل خودداری کنیم

[5] Order Flow